

[illegible]

بن قریب ان قول الحق فقد کما کما ویا لایند صبرنا انفسه فقلت  
که غرض من این بود که هر چه در این نظر در سخن ایشان باشد و در علم  
هم را در یافتن است و در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر  
در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
که هر چه در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر  
الایه صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
و چون از هر قات بشعلید بهینند و همان گفتارند اندک و در سخن باشد  
و چون از هر قات بشعلید بهینند و همان گفتارند اندک و در سخن باشد  
عن الحسن بن محمد عن ابي عبد الله ع قال من اقرک الحق الحق  
ان قول الحق فقد اقرک الحق و در این نظر در صبر و کما کما  
الحسن بن محمد عن ابي عبد الله ع و در این نظر در صبر و کما کما  
القصص ۲۳ فرمودند که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
که هر چه در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر  
انام بن سید کاظم نیز در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه  
قال قال لای عبد الله صبراً فاقول الحق فقلت و قلت  
الموقف و یا لایند صبراً فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
بن قریب ۲۳ بن قریب ۲۳ که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
و قریب ۲۳ بن قریب ۲۳ که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
استقامت از هر قات بشعلید بهینند و همان گفتارند اندک و در سخن باشد  
اینکه در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
اینکه در این نظر در صبر و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
شعر از طبع و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما  
طالع و شمس و کما کما فقلت که هر چه در این نظر در صبر و کما کما

[illegible]

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که با نیت که مقدم دایم طواف را  
بخش از وقتین هر فات مردی که از آن طواف از آن ایام و همچنین وقت  
و وقت جعفر را بخند یا خند یا آنکه نرسد که هنوز از آن عتبات و شعری خارج  
نشد محضش بایمان و طوافین دانستند که در آن حال ناله  
سپارند و در وقت آن بکند و در آن وقت از آن جعفر هم ساراها عین  
الکرمین بکند طواف و تعبیه افواج طوافها سببها انما عتبات  
و در وقت که از آن طواف و در وقت از جعفر بکند که از حضرت امام  
عزیز باقی و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سئل کردند که آیا استماع طواف  
و سجد و در جعفر مقدم سجد از آن حضرت فرمودند که هر دو سجد باید خواند  
تا آخر کوفی و خواند مقدم کوفی که هر دو سجد است و در جواب بکند که  
و بعد از آن را نیز حاکم و مانع بر طوافیان آنجا که اگر مقدم خواندند  
نظاره از کفای که مؤخر سجد از هر چند نیت مجموع عتبات از آنجا  
اینکه هر سجد از مقدم بر و مثل امنیت حدیث مجموع علی بن یقین گفت  
سئل کرد که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که هرگاه طواف حج تمتع کند  
و نیت کند و طلب کند یک طواف و سجد را مقدم بکند و نیت  
بر وقت و عتبات و حضرت جعفر فرمودند که اگر نیت و در وقت  
بر آنجا که حق از آنجا که قال سئل الله ان یسجد من الشجر  
نما کانت شجاک و ایا من اذ عتبات الحوض یطوف الطواف المکمل  
ان ما فی حق قال سجد من حق ملکنا یحجر و قال سئل عن رجل  
سجد باجماع من مکة لزم نیت لیس جازیا کیونتی قبل ان یخرج  
علیه لکون قال لا و در حق قال سجد من حق ملکنا یحجر و قال سئل عن رجل  
سجد از آن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که سجد که در طواف است و از آنجا  
سجد او کند و از آنجا که نرسد که در وقت سجد طواف خود و در وقت  
طواف خود است و آنکه در وقت مقدم حضرت جعفر فرمودند که هر دو سجد  
باشد جمیع سجدات که احسن گفت که بیکر سوال کردم از آنجا که امام

چه را از سر کجایه تعبد از آن چند که طواف است اما پیش از رفتن بر مقام الهی  
 طواف کند بر او چیزی هست از کتاه حضرت فرمودند که نه و در کافران  
 زیاده است که از حق گفت عرض نمودم که هرگاه شخصی ده حج افراد طواف  
 نماید و در مقدم دارد طواف نماز این مقدم میتواند داشت فرمود  
 که نه نیست طواف نماز که بعد از خود از موقوفین بخود و در موقوف از موقوفین  
 این حرم منقول است از آن حضرت هم این خصوص و وجوب آنکه طواف نماز  
 مقدم نمیتواند داشت است که طواف نماز کن نیست و اگر قافله بود و هر  
 نماز دیگری را و کیل میتواند کرد که بر نیاید از او جدا آورد و اگر جدا بودند  
 که مقدم فتنه بر طواف می میتواند کرد و مقدم نمیتواند مقدم داشت مگر  
 و آنکه عندی داشته باشد و اگر بچند مقدم دارد آن عندی خواهد  
 بود و من بجز دو کس نکند و در مقدمیم شرفی و عاقبتی است بحسب ظاهر و بر  
 جواز تقدم آن معجزه جاد بر حق و در ثنای کماله معجزین زیاده و  
 شرفی است و تفرقه کماله معجزین عا و غیر اینها از حضرت است  
 حضرت از قاصد وارد شده است و بی آنکه از مقدم در حق فتنه کماله معجزه  
 ابو حنیفه از آن حضرت هم وارد شده است که گفت عرض نمودم که شخصی متع  
 دد و بعد از عمر را می گوید که می فرمودند که طواف خانه نکند تا مسجده  
 رفات شود و اگر بی علق پیش طواف کند اعتقاد بر آن طواف نکند و بعد از  
 شناسن از جهت طواف و می باید آورد و کماله معجز از اسمعیل بن عبد  
 الخالق منقول است که گفت از آن حضرت هم شنیدم که فرمودند که با کسی نیست  
 که در بیاید و علق و زن و کعبه که علق است باشد طواف کند از شدت  
 طواف و مقدم دارد و بر رفتن بیایند عرفات و در صحیح علی بن ابی طالب  
 علی بن عثمان منقول است که گفت از حضرت امام موسی کاظم شنیدم که  
 فرمودند که اگر کسی نیست در مقدم داشتن طواف و طواف نماز را پیش از  
 رفتن بیایند عرفات می آورد و همچنین اگر خوف داشته باشد طواف  
 حرم را مقدم میتواند داشت که بعد از شناسن آنکه در آن خانه خود

خود شود و ظاهر او طواف است و خود را ندانند بعضی با خوف و بعضی بآرامش  
باشد میان تقدیم و تاخیر **باب** تاخیر از زیاده و کمی در حج  
این بحث و محال است که آن را از حدیم صد سخن زیاده است و البته کم از حد  
نیز کم است و گفتار و نه باینکه آن حد است و این حد را کسی که از حد است  
او را است و چون تاخیر زیاده است تا ندانند روز و دم و بیاورد هم چنان  
اذا حدیث صحیح وارد شد است یا کم و طواف صحیح وارد شد هم بجا آوردند  
مثل صحیح حدیثی که گفت سئل عن رجل من ان حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
که زیادت خانه میکند فرمودند که روزی عید بود و صبح از خواب  
سقویت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که متعجب شدم در  
بنی ثمانند تا زیادت است بجا آورد و در صبح از خواب سقویت که حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که متعجب شدم در بنی ثمانند تا زیادت  
است بجا آورد و در صبح از خواب سقویت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
است که متعجب طواف زیادت تا روز عید بجا آورد یا است یا روز عید و زیادت  
بیاورد هم خیر تا روز عید و صبح از خواب سقویت که حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
فرمود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که متعجب کی زیادت خانه میکند فرمودند که روزی عید  
بارک و روز عید از آن و از روز زیادت هم تاخیر کنند و در صبح از خواب سقویت که حضرت  
است و ایشان مثل متعجب نیستند و چون احادیثی که وارد شده است  
حکایه از ائمه فرمودند و صبح از خواب سقویت که حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
و از این احادیث است که مثل حدیثی که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
احصی کرده است که گفت سئل عن رجل من ان حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
فرمود که زیادت خانه را تا روز ششم از امام شریف حضرت فرمودند که زیادت و زیادت  
عید نیست از من نهایی بخیر که او دارد و عطف بر من مقدّم و نهایی  
فرمود که او زیادت مثل حدیثی که مقدّم خواهد بود و این حدیثی که از حضرت  
عبدالله است از من و اگر تاخیر می باشد که نیست و اگر زیادت عید است از من  
عن ابی عبد الله علیه السلام قال لا بأس بالحدیث زیاده و البته زیادت است از من

[illegible]



[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

از آنکه در ماه شمس و هفت ماه از آنکه با طالع بود که انیت که طالع الحشر  
 پس مع طالع شمس و احتمال صبح که از آنکه است بد که طالع است و  
 طواف بیرون سیر و در محراب حسیل و بطریق دیگر از مسجد الحرام و نماز  
 شب که در هرگاه و ترانکه ده باشد و بی یکر دو و طواف را تمام میکند  
 این ترانکه است یا طواف تمام کند و بعد از آن و ترانکه او در  
 آنکه روز روشن شده باشد اندکی حضرت خروغند که ابتدا گویند  
 و ترانکه سر تکبیر یا بعد و قطع کن طواف هرگاه که خوب داشته باشد  
 که وقت و بیرون رود و بعد از آن طواف انجام کن و عبادت کائنات  
 تمام طواف بعد از آنست و اگر بنشیند کتاب نماز یا طواف  
 التبت و ظاهر تصحیف شده است از آنکه یا تفصیل و حاصل  
 کلام اینست که هرگاه صبح صادق شود و ترانکه ده باشد و عبادت  
 طواف باشد چنانچه هر یک که میخواهند نماز صبح و نماز و طواف  
 حضرت بیرون کند که طواف و او گذارد و نماز و نماز صبح و بیرون  
 بعد از آن طواف بخواند و بنا بر احتمال صبح که از آنکه طالع ان عبادت  
 از طواف است که خوب ظاهر شود و بنابر این نماز و ترانکه او را بسکند  
 یا در وقت نماز صبح پس اگر صبح شده باشد نماز صبح را میکنند بعد از آن  
 طواف تمام میکنند و اول طواف تمام میکنند و بعد از آن نماز  
 یا بنابر این و هر دو معنی خوب است و هر یک سوید است دارد و بنابر  
 فی الجمله اگر اختلاف اند تا ظاهر تر شود و غیر تر شده است و ظاهر آنکه  
 نیست میان طواف واجب نیست و درین عالم بل طواف واجب است  
 و از این جهت ظاهر میشود که هرگاه قطع طواف از جهت طواف واجب  
 و بنابر این هر دو بطریق اولی و احادیث گذشت و ترانکه این آیه  
 عن حنیف بن الحنفی عن ابي عبد الله علیه السلام قال کان رسول الله  
 علیه السلام یصلی و یقول الحمد فیه فیه طواف لیسعی طواف  
 و بنابر این هر دو بطریق اولی و احادیث گذشت و ترانکه این آیه

[illegible]

که شروع کردم در طواف فیهی و یک شوط بجا آوردم شخص خود را برین  
 بن زد و خونین شد بر من اندام و شستم و طواف را از سر گرفته پس  
 عرض نمودم که خط خود را بفرست ای محمد بن ابی طالب این صبا و الکعبه  
 شهادت می باشد و ازین ملک و عظیم انعامت و بنا بر طواف الاله  
 عرض نمودم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام واقعه خود را حضرت فاضل و منید  
 که بگویی که از سر گرفته چون از آنجا که از واجبات بود و میباید  
 که بنا بر طواف کردم بودی که شش شوط دیگر بگویی بدو و چون  
 توبیت چیزی بگوئی که از روی جهل از هفت شوط کردم است و شوی  
 اخرا نواست یا اولی القیامه می شود و الله تعالی میلم و توبی  
 مقولان الحمد لله قال قلت لابی عبد الله علیه السلام انی جئتک ان شاء  
 و هو فی الطواف فقال لیکن یجوز انی ما جئتک فیما یجوز  
 و یجوز لی کل امر و در حق کا الضم بلکه در جمیع مقولت از سبقتان  
 ش این که گفت عرض نمودم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که شخص خود  
 را برین بن زد و طواف است حضرت فرمودند که با او میرود  
 از حبه فضا صراحت بود و بیکر د و بنا بر طواف می کند و عیالت  
 بنا فلان یا فیه بعد از آنجا و از آنصف و ظاهر از فی غیره نیز قطع طواف  
 است و اگر پیش از آنجا از نصف و لیکن از سر بگیر و اگر قطع نکند  
 فلا یفسد من الخط و در قطع طواف از حبه فضا سکت بر او و من  
 الحدیث بسیار وارد شده است از آنجا که کا الضم و ادوات از ابو احمد  
 که گفت در حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در طواف و دست  
 افتخرف و در دست من بود و دست من در دست حضرت من که شخصی بود  
 که با او شستن بود طواف را می کردم که با شستن فارغ شوم از طواف حضرت  
 فرمود که ای محمد بن علی بن موسی که من کار می دارم و فرموده اند که مسالت  
 کتم بلو کتم و ندید که طواف را از ایشان عرض نمودم که طواف را قطع کنم  
 من و ندید که طواف را از ایشان عرض نمودم که طواف را قطع کنم

حاجب باشند پس فرمودند که هر که بود از چینه کاوشازی بر او و مؤمن حق  
سخاوت و تقاوت هزار هزار رحمت در نامه عوالمش بنویسد و هزار هزار گناه  
و معصیه را بپوشد و هزار هزار دروغ را بپوشد و با شایسته تکریم و تکریم  
و اورد است و از ابان بن تغلبه اسحق بن عمار و غیر ایشان که حضرت  
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر که هفت شوط این طایفه کعبه را طواف  
کند حق طایفه و نعم بنویسد از جهته او شش هزار رحمت در حقش بنویسد و از  
او شش هزار گناه و معصیه از جهته او شش هزار درجه و درجه او را اسحق  
این زیارتی بود که بر او در از جهته او شش هزار حاجت را بر او فرمودند که  
قصا حاجت مؤمن افضل است از طواف و طواف تا در طواف و در  
و از اسحق تا آنکه چون بنزد ملتزم میرسد حق طایفه و نعم هفت صد  
از صد های هفت بود و عوالمی بکشد و حق مؤمن که هزار است از هزار باشد  
از آنکه در و هزار اسب با طایفه از آن چهار صد و سی و هشت اسب باشد  
و بخیر را بر کند که از جهته او بنیاد کند **باب** **الشیعۃ فی القل**  
و یک صد و شصت و شصت حق اسحق بن عمار و قال قلت لابی عبد الله  
رجل طواف الکعبه ثم خرج فطاف بکب الصفا و المروه فیکبهما من  
بطن فسادا ذکر آیه قل و کتب تقصیر طواف بالکعبه قال و یجوز  
البیعت و یجوز طواف من رجع الی الصفا و المروه فکبهما ما بقی من  
بایعت و یجوز ان یکب طواف من قبلت عدو حق کالتقصیر از اسحق  
گفت عرض نمودم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که نخص طواف کعبه در حدیث  
شد که می کند بیان صفای مروه که در حدیثی می فرماید که بخیر از آنجا  
خانه از آن کعبه است حضرت فرمودند که هیچ سبب طواف و از آنجا  
سبب طواف بر هیچ سبب نیست و علی تمام میکند و اگر از طایفه کعبه کرده و اگر  
از طواف آن نصف نما و ذکر کرده باشد یا طواف بر هیچ سبب نیست و سبب طواف  
و اگر طواف آن نصف نما و ذکر کرده باشد هر دو از آن سبب است و هر دو از آن  
بیت و هر دو از آن طایفه است و هر دو از آن طایفه است

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

محقق بر اینست که من بود هیچ از دفاعه منقولات که درین فواید حضرت امام  
 حقیق و ادریس که میت و امر که جهاد است هیچ و هر چه دایره من و دایره حضرت فواید  
 که هیچ که طواف خانه که حدان قنانه است و در وقت کا صبح شقیقت که حضرت  
 امام رضا علیه السلام فرمودند که طواف و بیرون آوردن از آن منی و بیرون آمدن از آن  
 مایه است ما ملأ فی طواف الا حلف و فی حزن الا ابرهیم بن عمر قال  
قال ابو عبد الله علیه السلام ان طواف الکراهه غیر مخصوصه کذا الزیله و الاصل  
لا یحلف الا ان یأبست در بیان که خدا را خداست و او شده است و طواف  
خفته نکرده و بچندین حدیث منقول است این حدیث در هیچ وجه سند از امام  
 مروی که گفته اند که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمودند که با کسیست که در  
 گذشت خفته نکرده باشد و او را در هر طواف نمک میسوزند که در وقت  
 در مکان من ابرهیم بن عمر بن ابی عبد الله علیه السلام فی الزیله الی الله  
 فیریک ان یحیی و قد حسی انی ارجو عبدی قال لا یحیی من عبد  
 و انما یندب من منقولات از عبد الله علیه السلام و حقان انا جعفر که گفته اند  
 است بشهادت حدیث و ان حدیث امام جعفر علیه السلام در هر طواف که گفته  
 شود و خواهد که خفته نکرده و از هیچ چیز رسیده است الی الله که گفته اند که  
 فرمودند که هر چه من و انکه در طواف نمک و انما یندب من منقولات از عبد  
 بن عمر که گفته اند که هر چه من و انکه در طواف خانه نیست و انکه در وقت  
 که خفته نکرده باشد و خواهد که خفته نکرده باشد و انکه در وقت  
 و طوافت چهار دفعه میل فرماید خفته میماند و اگر از اصحاب این طواف  
 و بعضی توقف کرده اند و داشتند و توقف و بعضی از او و انکه در وقت  
 خفته و ظاهر میزد که اگر وقت تنگ باشد و خفته نکرده باشد و بعضی  
 طواف و ان طواف را با غایت غیر مقدس و مقدس و در وقت خفته و بعضی  
 از این بین اما هیچ روی بی شک و من و ان طواف قال ابو عبد الله  
 علیه السلام ان من حج الی جبل کین الشیر علیک و لا تطوف من  
 الا و من طواف الشاویه قال ابو عبد الله علیه السلام در مقابلت المشقه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



بجای آوردن و بعد از آن از سید مرتضی بپرسید و گفت قبول شود و بعد از آن  
معه این کتابی که می خواند از سید مرتضی پرسید که حضرت از طواف کعبه و آنکه در وقت  
کعبه طواف کند یا نه یا اگر یک خط یا دو خط یا سه خط یا چهار خط یا نه است  
حضرت فرمودند که هر یک از اینها صحیح است و طواف از این تمام میکنند و میگویند  
و اینها از میان طواف و مواضع مانده است تمام میکنند و هر یک از اینها  
باقی هر یک از اینها است و اینها صحیفه و هر یک از اینها است و اینها  
طواف خواهد بود و اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
حضرت فرمودند که هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
طواف هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
تألف و مختلف است و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
که هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
فضل آمده بود و بنا بر این است که هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
و در غیر اینها طواف و اگر کمتر از نصف باشد در حکم عدم است و اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
موافق فقه و ضوابط و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
که هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
تألف و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
حسن و بداند و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
است و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
آن عمل میکرد و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
که هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
میکنند و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
حضرت فرمودند و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
آمدند و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند  
و هر یک از اینها صحیفه و خواه جاهل باشد یا نه حضرت فرمودند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



نماز و اوقات با نیت و قصد متکرم منقول است که حضرت امام جعفر صادق  
فرمودند در شخصی که طواف واجب را بفعل آورد و فراموش کند دو رکعت نماز  
طواف را تا وقتی که در سجده میان منقار و مروه باشد و نماز را در این حضرت فرما  
که قتل میکند آنرا و بگوید دو رکعت نماز طواف را در مقام ایستادن  
نیکند پس بگوید و بخواند که نشان کرده است و بعد از آن میگوید و بعد از آن  
میگوید که تحقیق که رخصت داده اند او را که سحر تمام کند و بعد از آن  
تمام آورد و نماز طواف را بجا آورد این رخصت روایت کرده اند و بعد از آن  
سهم از حضرت امام جعفر صادق با فرمود و بنا بر نسخه که داده اند باشد و بعد از آن  
آن است که در حدیث هست یکی همان عبارت که گفته و دیگر غیر  
محمد بن سلام است که نقل بالمعنی است پس هر یک از این حدیث که نقل میاید  
خارج است از حدیث معتبر است اگر چه متعین نباشد و دیگر معنی و عبارت  
گفت که عرض نمودم که اگر شخصی فراموش کند نماز طواف را و بخاطرش فرستد  
تا از یک رکعت بچهار رکعت رسد و در حضرت فرمودند که هر جا که نماز را فرستد  
و کمتر از آن است و اگر بیشتر خود رسد باشد و بخاطرش رسد جانی  
و فتنه آنکه دو رکعت از آن کند تا دو رکعت از آن رسد و اگر چه است  
فرستد بلکه شیخ روایت کرده است به بیت و پنج سند صحیح از محمد بن مسلم از امام  
گفت سواد گرام آن شخص که طواف خانه کند و فراموش کند نماز طواف را اما آنکه  
در خطبها آورد بلکه حضرت فرمودند که کسی را بکند و آنکه دو رکعت داده  
تمام میکند بعد از آن علی بن ابی طالب و آنجا که گذاشته است فرمود میکند تا می  
تمام میکند پس ممکن است که حدیث دیگر باشد یا سه باشد یا چهار  
و بعد از آن حدیث که در ذیل شاره حدیث معنی می کنند که مطهر بن ابی طالب  
خبر از آن قول است و ظاهر عبارت متن نیست که قال و قلت من محمد بن مسلم  
باعتبار یکی کلیت چون این ظاهر و از آن معنی و عبارت دیگر کرده است ظاهر شیخ  
که حدیثی از عبارت را در میان عبارت معنی می دهد و داده باشد و بعد از آن  
در حدیث معنی می دهد و بعد از آن در حدیث معنی می دهد و بعد از آن

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

موقوف شود بآنکه تند و بدید کام ناسخ ملک جلاله و این را در میان  
شالین و پس و نیز عوارطواف یکفر و بدید نیز عوارطواف یکفر و بدید  
نیز عوارطواف یکفر و بدید نیز عوارطواف یکفر و بدید نیز عوارطواف یکفر و بدید  
قلت لا یحس من ذوق طفت از بعضه آسایع ضعیف افاصل  
نگار آنها و انا ایس قال لا قلت و کیف یصل الی رجل منکون  
اذا اعطاه و یحس من ذوق طفت از بعضه آسایع ضعیف افاصل  
قلت لا یحس من ذوق طفت از بعضه آسایع ضعیف افاصل  
خطایون کلین از شایع است و در هیچ از هیچی منقول است که گفت عرض  
من و حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر که این چهار طواف کردم و در  
شدم ایات و افشن نشسته میتوانم که فرمودند که نفع من معلوم که نهی که  
مانده میشود یا سقما راض میشود تا فایده شایسته میگردد حضرت فرمود  
که طواف نشسته میتوانم که گفتند که گفتند که فایده شایسته میگردد و کلام  
مستقل است از است و این غرض است و در نیست که فضیله ما بود ما باشد  
عشت و کلام است از جهت چهار طواف و هر گاه است که حضرت در کلام فرمود  
باشند و ظاهر شود که نشسته خوب نباشد بآنکه حرام باشد و آنکه فایده  
و ظاهر آنکه چون دوی فایس غرض ما این فایده را با فایده نشسته حضرت فرمود  
باشد که اگر فایس توانی که این فایس است یا آنکه فایس و شرع  
قیما شد و در چنین صورتی احتمال این نیست فایده نایب و در  
حلی و این باشد یا بعد فایس است که کلام فرمود و ما باشد یا نشسته  
این باشد که شما غلط میکنید چون عذر را میدادند و انصافا و بعد  
فرمود علی بن ابی حمزه عن ابی الحسن موسی بن جعفر عن رجل من  
موقوف یا لیت حق بر جیم الله فکله فقال لا فاکان علی وجه  
الجماله انما اذ الحرج و عاکبه بدلت و منقول است در موقوف از علی که از حضرت  
استام موسی بن جعفر سؤال کرد که در شخصی که فراموش کند طواف خانه طایف  
بود و نمازخانه حق و اگر حضرت فرمودند که طایف از پنج طواف خلاص است

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



موردی شود و فراتر از این از علایق است بوده است چون در آن زمان  
اکثر با مومنان میبوده اند و نیز از ایشانند بر آنکه در حج یا عمره و تہجد و غیر  
شد و شاد و این معنی او در قول حق سبحانه و تعالی که بعد از آنکه در آنجا  
بنای مقدس که حق سبحانه و تعالی خواب و بیداری او است کرد و الله داخل مسجد  
نومیدند شد این سزاوارتر است و تفصیل را کرده و خوف نخواهید داشت  
و این دو فتح حدیثی نازل شد و حضرت پیشتر از آنکه بیرون آیند در واقع در بیرون  
بودند که آنحضرت با اصحاب داخل مسجد الحرام خواهند شد و فراتر از این و تفصیل  
کرده و چون در آنجا میسر می شود شد از آن دخول مسجد الحرام گفت که تو گفتی  
که داخل خواهند شد و نشدیم حق سبحانه و تعالی بجز بصدقه حضرت این را  
فرستاد و فایده نکرد و حضرت سید عالمی بدین صفت بودند که من تکلم کنم که  
خواهم رفت و ناله بکرد داخل شدند و اکثر علما را اعتقاد آنست که خواب آن  
حضرت در سال آینده واقع شد و کاین بند داشت که حضرت واقعه عجز الوداع  
عید بودند و اگر در هیچ ظاهر لایزال نکند بر آنکه خلق و تفصیل کرده و داخل مسجد  
الحرام شوند و کاین در آنجا واقع شد که هرگز نماند و خرقی نداشتند و بعد از  
خلق و تفصیل در داخل مسجد الحرام شدند و ظاهر است که رویا هر چند و بر تخیل  
شود اعتقاد این نیز است چنانکه حضرت یوسف خواب دید که آنقدر طلا و نقره  
در آنجا گردید و بعد از آنست سال و دو و آنچو چهل سال و آنرا ندانند چنانکه  
بعد از آنکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که در و این را بر همه عالمیان غالب خواهد  
گردانید و در آنجا در بسیار وارد شده است از آنکه اهدای هم که این فایده  
زمان حضرت صاحب الامر خواهد بود حاصل آنکه بخاری احادیث بسیار نقل  
کرده است که در این مقامات و علی بن ابی طالب این شبیه را به حضرت صبر می کرد و  
آنحضرت جواب شنید و گفت آنکه باز بامو بگو گفت و جواب شنید و فایده  
نکرد و در اصل صلح نیز اطمینان و اتفاق خود کرد که اگر بخاری بر او افتد از نداشت  
بر خود میگذارد و از عمر کافر و سگان علی را داشتند و اینها را می بیند  
و علی بن ابی طالب و ولایت می کند و علی بن ابی طالب می بیند و علی بن ابی طالب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عن ابی عبد الله علیه السلام وروى الحسن بن محبوب عن علي بن  
قال لا بأس إذا انقضت جميع شائكة فقد تم حجة و چهارده سند صحیح  
و بسیاری از حسن و موثق کما فی القصص منقول است از حسن از علی از حماد  
بن محمد بن علی بن ابی حمزة در کافی است بکثرت و ظاهر از قلم است اخذ کرده است  
ان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در شخصی که حجة بدهد شخصی که نیابت  
او از کسی حج رود و او از راه مصر حج رود و حضرت فرمودند که با کسی نیست  
که از جمیع شائکات دنیا او را آورده باشد یعنی تمام است چون مقصود  
بالکفایت حج است و بر او است و ظاهر حدیث است که از اجرت حج  
پس نمیگیرند و اگر نمیکند و حج میکنند که مستحق اجرت نیست و جمعی گفته اند  
که اگر خرج و ماله نباشد باشد و مطلوب شرعی نباشد در تعیین  
چنانکه در مثال مذکور که حدیث خرج راه کوفه پیشتر بوده است چنانکه  
خواهد شد پس بیت و زیاده ای بود و آنها دارند که زیادت است از مقصود  
نمودند به هم میدهند و چون در عقل جاریست شرط زیادت نکردند  
و لیکن سبب قبول حج مشروط و ظاهر است که شرط نقص موقوف بر اعتبار  
این کمالات تفاوت و اینست با حق که میکنند و اگر داده اند از اول  
بگیرند و ظاهر است که زیادت نیست که حج را پس گیرند و لا اقل بقاوت  
و احوط و اطل است که مستاجر پس بگیرد و اجیر تمام این دهد و بفرستد  
پس گرفتن ایضا و چون بگویند اگر وصیت حج کرده باشد یا حج دیگر  
بگیرند یا اولویت میدهند و وسط اولی است و الله تعالی اعلم و روی  
عن ابی عبد الله علیه السلام وروى الحسن بن محبوب عن علي بن  
انقضت حلاله و ظاهر حجة حجة سفره و حج و زیاده ای است  
الک حج قال نعم انما خالفه انما الفضل الحقیقی و باقی است  
و حسن شائكة منقول است از کمالی و در بعضی است و در شخصی که شخص  
شایع چند بدهد که زیاده ای از حج با او و یا با جانی است که احرام

که بود گفتند باید بعد از آن تا چه بفرماند که هیچ عیبی در او نیست  
 حضرت فرمودند که بلی مخالفه او کرده و گفتند که او را عیبی نیست  
 و ظاهر است که هیچ عیبی در او نیست که ناپسندیده باشد از دوستان  
 کوفه که هر هر نوع جایز باشد و ناپسندیده اختیار کرده باشد و کمالی  
 از وی نیز منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به این مضمون که  
 العقیق و اورد است که مخالفین سبب نمیکند و آن دو صورتی است که  
 از اهل کوفه و از حواریان بوده باشند و حج افراد و خوان و خوانان  
 واجب باشد یا نه که می باشد و قال و هت بن عبد ربه  
 لا یستأذنی منی أحد الا بکلمة منی یا صاحب فقال لا قلت فان کان  
 ابي فقال ان کان اباک فحسبته و منقول است از صاحب مقدمه که کتاب  
 اوزار اسولت و ظاهر است که صد و فاضل او برده اشتات یا ان کتاب  
 حسن بن محبوب و کتب در حسن کا العقیق و نیز در صحیح از او و اگر چه  
 که گفته من خودم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را که بنیای است صاحب  
 میگویند که حضرت فرمودند که در هر من خودم که اگر بدوم باشد میتوانم  
 که حضرت فرمودند که اگر بدست باشد پس بنیای است او حج کن و کمالی  
 از علی بن ابی یار منقول است که گفت خوشتر بود من حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 یا حضرت امام علی بن ابی طالب که اگر کسی بنیای بر صاحب حج کند گناه دارد یا  
 نه و از آن منع میشود یا نه حضرت فرمودند که بنیای او حج عیبی از آن  
 و ناصیه را ناصیه بود و ناصیه را اطلاق میکنند بر کسی که آنها  
 کنند و از آن است که در جمیع بنیان و در جمیع مخالفان و در وی  
 ان العنا بکلمة منی یا صاحب فقال لا قلت فان کان ابي فقال ان کان اباک فحسبته  
 و اقول و اقول انک لا یستأذنی منی أحد الا بکلمة منی یا صاحب فقال لا قلت فان کان  
 از بعد از آن بنیان و طریقی و قد بر او صحیح است که گفت حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام بنیای منی فقال لا قلت فان کان ابي فقال ان کان اباک فحسبته  
 که بنیای بر او عمل فرمودند و فرمودند که بنیای بر او صحیح است و یکبار



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس حق جهان و تعالی نظام فرماید بر او بر آنکه او را هدایه فرماید بر حق و  
مستدین شوند بدین حق و شیعه اثنا عشری شود یا بر او واجب است که حجه الاسلام  
سلام را اغاده کند حضرت فرمودند که تحقیق که واجب الهی ایما و ره است  
و اگر مؤمن دیگر کسی را است فرمودن و بر بیت و جبار و سید محمد بن  
است از بید که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
که حج کرده باشد تا با حق آنچه مذکور شد و بعد از آن گفت و بپای در آن  
و این امر بعد از آن روایتی که باز عرض نمودم از شخصی که صاحب بانی  
و هدایت اهل بیت باشد باشد اما مستدین و مصالح باشد و افاضت منهد  
باطلش و حج کرده باشد و حق جهان و تعالی بر او نظام کرده باشد و هدایت  
کرده باشد او را و شیعه اثنا عشری شده باشد حجه الاسلام را قضا کند  
کنند حضرت فرمودند که اگر قضا کند عجب تراست نزد من و صدوق در  
حج و کلیب و حسن کا صبیح و وایت کرده اند از ذراده و بکر و فضیل  
و محمد بن مسلم و برید از حضرت امام محمد باقر علیه السلام حضرت امام جعفر صادق  
که ایشان بر سیدند که هرگاه شخصی مدعی باطل داشته باشد مانند خود  
و من جبر و غلبه و قدیم حق جهان و تعالی او را هدایت و تعالی او را  
هدایت کند و شیعه خود یا اغاده میکنند نمازها و روزهها و زکوة و  
حج و فرمودند که عجب را اغاده میکنند ضیاء زکوة چون زکوة را بپایان  
بناشنا عشری دهد و نداده استبداد آنکه شکی نیست که ایمان شرط بود  
در عبادات با قبول و تواتر و اجماع شیعین جمیع قیادانی که کرده اند  
باطل است و لیکن چنانکه حق جهان و تعالی بر فرموده است که چون کافر  
مسلمان شود اسلام میبکند هر چه را پیشتر کرده است و منافق منافی از قضا  
عبادت او را بزرگوار و کفار و کفر و کفر است و همچنین کفار و انفسال فرموده است  
که چون شیعه شوند هر چند عبادات سابقه ایشان باطل بوده است فضائی  
البی که در عین و قدیم کرده اند که اگر حج تمتع نکرده باشد یا طواف نکرده  
باشد لازم است که حج با قضا کند و اگر حج تمتع نکرده باشد و طواف نکرده

